

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا

۰۳ نومبر ۲۰۱۸



وداع در غروب

آمد دمی که جان به لبانم رسیده بود
چشمم به انتظار رخس باز باز
آن قامتی که ناز به شمشاد می فروخت
موئی که داشت جلوه شبهای دیر پا
شمعی که یاد خاطره اش را به سینه داشت
آن شبی که از عرق و جلوه اش بریخت
بر جام لاله خون دل از درد هجر او
از شعله های پر شرر اندر طلوع فجر
تلخ است کام تشنه دریا در این مقام
مرغ نفس زشاخته جانم پریده بود
لبخند از لبم چو غزال رمیده بود
از بار فرقتش چو کمانی خمیده بود
خاکستری به رخ زفراقش کشیده بود
آتش به سر گرفته به پا تا سپیده بود
بر لایه های برگ گلاب آرمیده بود
از تار تار هر مژده من چکیده بود
آتش به خرمن همه عمرم رسیده بود
گویا که زهر محنت هجران چشیده بود

"مختار دریا" کانادا ۲۵ دسمبر ۲۰۱۶ کانادا